

کتاب دانیال - شماره صد و هفتاد و یک

شطرنج ژئوپلیتیک: واتیکان، کمونیسم و جست‌وجو برای سلطه بر جهان

Jeff Pippenger

2024-04-01

کتاب، The Keys of This Blood: The Struggle for World Dominion Between Pope John Paul II, Mikhail Gorbachev, and the Capitalist West نوشته ملاکی مارتین است و نخستین بار در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. مارتین نقش پاپ ژان پل دوم را به‌عنوان شخصیتی دگرگون‌ساز در سیاست و دیپلماسی جهانی در نیمه دوم قرن بیستم بررسی می‌کند. او نقش پاپ را در فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب، از منظر کاتولیکی، پویایی‌هایی را ارائه می‌کند که در سال ۱۹۸۹، در زمان آخر، به تحقق آیه چهل دانیال یازده انجامید.

مارتین پویایی‌های درونی اتحاد جماهیر شوروی در دوران رهبری میخائیل گورباچف را تحلیل می‌کند و به‌ویژه بر سیاست‌های «گلاسنوست» (شفافیت) و «پرسترویکا» (بازسازی) او تمرکز دارد. او چالش‌های پیش روی اتحاد جماهیر شوروی و تلاش‌های گورباچف برای اصلاح نظام کمونیستی را بررسی می‌کند. او تنش‌های ژئوپلیتیکی و کشمکش‌های قدرت میان اتحاد جماهیر شوروی (پادشاه جنوب - اژدها)، کلیسای کاتولیک (پادشاه شمال - وحش)، و آنچه او غرب سرمایه‌داری می‌نامد (ارتش نیابتی پادشاه شمال - پیامبر دروغین) را واکاوی می‌کند. او به منازعات ایدئولوژیک، جاسوسی و عملیات پنهانی که مشخصه دوران جنگ سرد بودند می‌پردازد و تلاش‌های بازیگران گوناگون برای شکل دادن به آینده جهان را بررسی می‌کند.

مارتین بر اهمیت کاتولیسیسم به‌عنوان نیروی در سیاست و دیپلماسی جهانی تأکید می‌کند. او استدلال می‌کند که کلیسای کاتولیک، تحت رهبری پاپ ژان پل دوم، در شکل‌دهی به مسیر تاریخ در این دوره و تأثیرگذاری بر سرانجام جنگ سرد نقشی محوری ایفا کرد. او تأثیر ژان پل دوم را در بستر ظهورات مریم مقدس در فاطیما، پرتغال، قرار می‌دهد و تأثیر فاطیما بر رویدادهای جهانی و نقش کلیسای کاتولیک در شکل‌دهی به مسیر تاریخ را شناسایی می‌کند. مارتین مطرح می‌کند که رویدادهای فاطیما دارای پیامدهای مهم پیشگویانه و ژئوپولیتیکی هستند، به‌ویژه در بستر دوره جنگ سرد.

مارتین سه راز فاطیما را بررسی می‌کند؛ رازهایی که گفته می‌شود مریم باکره در سال ۱۹۱۷ در فاطیما به سه کودک چوپان آشکار کرده بود. او مطرح می‌کند که راز سوم — که در ابتدا از سوی واتیکان محرمانه نگه داشته شد و تنها در سال ۲۰۰۰ افشا شد — حاوی هشدارهای آخرالزمانی درباره آینده کلیسای کاتولیک و جهان بود. مارتین استدلال می‌کند که رویدادهای فاطیما، از جمله ظهورات و پیام‌هایی که از سوی مریم باکره ابلاغ شد، پیامدهای مهمی برای سیاست جهانی و نبرد میان کمونیسم و سرمایه‌داری در دوران جنگ سرد داشت.

مارتین نقش پاپ ژان پل دوم را به‌عنوان چهره‌ای کلیدی در تحقق پیشگویی‌های فاطیما برجسته می‌کند. او مطرح می‌کند که ژان پل دوم خود را همان «اسقف سفیدپوش» می‌دید که در راز سوم فاطیما از او یاد شده است و دوران پاپی خود را مأموریتی برای مقابله با نیروهای شر و ترویج احیای معنوی در درون کلیسای کاتولیک و در جامعه به‌طور کلی می‌نگریست.

مارتین معتقد است که پیام‌های فاطیما بر اهمیت نبرد روحانی و ضرورت رویارویی کلیسای کاتولیک با نیروهای شر، چه درون کلیسا و چه بیرون آن، تأکید داشتند. او استدلال می‌کند که رویدادهای

فاطمیما چارچوبی روحانی و اخلاقی برای فهم و رسیدگی به چالش‌هایی که بشریت در جهان مدرن با آن‌ها روبه‌روست فراهم کردند. پیام‌های فاطمیما نمایانگر پیامی شیطانی‌اند که کاتولیسیسم را شرطی می‌کند تا شیطان را به‌عنوان مسیح بپذیرد، هنگامی که او با فرا رسیدن قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی فرا می‌رسد، خود را به‌جای مسیح «جا می‌زند».

شیطان معجزاتی انجام خواهد داد تا ساکنان زمین را فریب دهد. روح‌گرایی با ظاهر شدن در هیئت مردگان کار خود را پیش خواهد برد. آن گروه‌های دینی که از شنیدن پیام‌های هشداردهنده خدا سر باز می‌زنند دچار فریبی نیرومند خواهند شد و برای آزار و تعقیب قدیسان با قدرت مدنی متحد خواهند شد. کلیساهای پروتستان برای آزار و تعقیب مردم خدا که به احکام پایبندند با قدرت پاپی متحد خواهند شد. این همان قدرتی است که نظام بزرگ آزار و تعقیب را پدید می‌آورد و بر وجدان‌های انسان‌ها استبداد روحانی اعمال خواهد کرد.

«او دو شاخ مانند بره‌ای داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت.» گرچه خود را پیروان بره‌ خدا می‌خوانند، انسان‌ها از روح اژدها آکنده می‌شوند. ادعا می‌کنند که حلیم و فروتن‌اند، اما با روح شیطان سخن می‌گویند و قانون می‌گذارند و با کردار خود نشان می‌دهند که خلاف آنچه ادعا می‌کنند هستند. این قدرت بره‌گونه با اژدها متحد می‌شود تا با کسانی که احکام خدا را حفظ می‌کنند و شهادت عیسی مسیح را دارند وارد جنگ شود. و شیطان با پروتستان‌ها و پیروان پاپ متحد می‌شود و همچون خدای این جهان همداستان با آنان عمل می‌کند و به انسان‌ها فرمان می‌دهد، چنان‌که گویی آنان رعایای پادشاهی اویند، و باید هرگونه که او می‌خواهد با آنان رفتار شود و بر آنان حکومت شود و آنان تحت کنترل او قرار گیرند.

"اگر مردم حاضر نشوند احکام خدا را لگدمال کنند، روح اژدها آشکار می‌شود. آنان زندانی می‌شوند، به شوراها برده می‌شوند و جریمه می‌گردند. 'او همه را، خرد و بزرگ، دولت‌مند و فقیر، آزاد و برده را و او می‌دارد تا نشانی را بر دست راستشان یا بر پیشانی‌هایشان دریافت کنند' [مکاشفه ۱۳:۱۶]. 'به او قدرت داده شد که به شمایل وحش جان بیخشد تا شمایل وحش سخن بگوید و موجب شود هر که شمایل وحش را پرستش نکند کشته شود' [آیه ۱۵]. بدین‌سان شیطان اختیارات مخصوص یهوه را غصب می‌کند. مرد گناه بر کرسی خدا می‌نشیند، خود را خدا اعلام می‌کند و فراتر از خدا عمل می‌کند." انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۴، ۱۶۲.

دجال نمادی است هم برای پاپ روم و هم برای شیطان، زیرا پاپ روم نماینده زمین شیطان است. «بدین‌سان شیطان اختیارات یهوه را غصب می‌کند. مرد گناهکار بر کرسی خدا می‌نشیند، خود را خدا می‌خواند و فراتر از خدا عمل می‌کند.» شیطان قصد دارد هنگامی که زمام امور را به دست گیرد چنان بر جهان مسلط شود که به مردمان فرمان دهد «چنان‌که گویی رعایای پادشاهی اویند و او بتواند هر طور که بخواهد آنان را به کار گیرد، بر آنان حکومت کند و کنترل‌شان کند.» برای آن‌که تختی دینی برای حکمرانی داشته باشد کلیسای کاتولیک را پدید آورد، و برای آن‌که تختی سیاسی برای حکمرانی داشته باشد سازمان ملل متحد را ایجاد کرد.

این سازش میان بت‌پرستی و مسیحیت به شکل‌گیری «مرد گناه» انجامید؛ همان‌که در نبوت پیشگویی شده بود که با خدا مخالفت می‌کند و خود را برتر از خدا می‌افرازد. آن نظام عظیم دین کاذب شاهکار قدرت شیطان است - یادمانی از تلاش‌های او برای نشستن بر تخت تا بر زمین مطابق اراده‌اش حکومت کند. مناقشه بزرگ، ۵۰.

معجزه فاطمیما و پیشگویی شیطانی آن، همان چیزی است که شیطان به کار گرفته تا زمینه‌ای نبوی فراهم کند که وقتی او ظاهر شود و خود را به جای مسیح جا بزند، کاتولیسیسم بتواند کلیسای خود را به سرعت تحت اقتدار او تسلیم کند. این جا زدن او به جای مسیح از هنگام قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع آغاز می‌شود؛ قانونی که در آیات شانزده، بیست‌ودو، سی‌ویک و چهل‌ویک فصل یازدهم کتاب دانیال

به تصویر کشیده شده است.

«با صدور فرمانی که برخلاف قانون خدا، نهاد پاپی را الزام‌آور می‌سازد، ملت ما به‌طور کامل از راستکاری جدا خواهد شد. وقتی پروتستانیسم دست خود را از فراسوی شکاف برای فشردن دست قدرت رومی دراز کند، و هنگامی که بر فراز ورطه دست در دست روح‌گرایی نهد، و زمانی که تحت نفوذ این اتحاد سه‌گانه کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را، به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری، نفی کند و برای ترویج اکاذیب و گمراهی‌های پاپی تمهیداتی فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۵۱.

در زمان قانون یکشنبه در ایالات متحده، «زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده است.» در مکاشفه، باب سیزدهم، آیه یازدهم، ایالات متحده «مانند اژدها سخن می‌گوید»، و سپس در آیه سیزدهم، که صرفاً مشخص می‌کند وقتی ایالات متحده با تصویب قانون یکشنبه «سخن می‌گوید» چه رخ می‌دهد، شیطان ظاهر می‌شود تا آتش را از آسمان فرود آورد.

"خادمان خدا، با چهره‌هایی که از تقدیس الهی نور گرفته و می‌درخشند، شتابان از جایی به جایی خواهند رفت تا پیام آسمانی را اعلام کنند. با هزاران صدا، در سراسر زمین، این هشدار داده خواهد شد. معجزات به وقوع خواهد پیوست، بیماران شفا خواهند یافت، و آیات و عجایب، ایمانداران را همراهی خواهند کرد. شیطان نیز عمل می‌کند و با عجایب دروغین، حتی در برابر دیدگان مردم، آتشی از آسمان فرو می‌آورد. مکاشفه ۱۳:۱۳. بدین‌سان ساکنان زمین بر آن داشته خواهند شد که موضع خود را بگیرند." مناقشه بزرگ، ۶۱۱، ۶۱۲.

پیام‌های فاطیما به‌وسیله معجزه‌ای تأیید شدند که روزنامه‌های دولتی خداناباور، که برای ردّ ادعاهای مطرح‌شده درباره دیدار به‌اصطلاح مریم باکره با آن سه کودک در روز سیزدهم هر ماه، از ماه مه تا هنگام معجزه در ۱۳ اکتبر ۱۹۱۷، در آن رویداد حضور یافته بودند، بر آن شهادت دادند. هر سازمان خبری خداناباوری که در زمان وقوع آن معجزه در فاطیما حضور داشت، آن واقعه را تأیید کرد. آن معجزه‌ای حقیقی بود (از جانب شیطان).

چنان‌که مالاکا مارتین در کتابش بیان کرده است، پاپ جان پل به‌واسطه ارادتش به مریم فاطیما هدایت می‌شد. پیشگویی محرمانه فاطیما که تا سال ۲۰۰۰ فاش نشده بود، البته پیشگویی‌ای شیطانی بود، اما در روزهای آخر عیسی روزهای نخستین را تکرار می‌کند. قدیمی‌ترین کتاب کتاب مقدس، نخستین کتابی که موسی نوشت، کتاب ایوب است، و بیان می‌کند که ایوب نماینده صد و چهل و چهار هزار است؛ زیرا همه نبوت‌ها در روزهای آخر به کامل‌ترین شکل تحقق می‌یابند. شیطان، در داستان ایوب، اجازه می‌یابد مرگ و ویرانی را بر ایوب وارد کند، به قصد آزمایش او. معجزاتی که به شیطان در روزهای آخر اجازه داده می‌شود انجام دهد، معجزاتی واقعی‌اند. آن‌ها معجزات شیطانی‌اند، اما خدا به شیطان اجازه داده است که اوج کار خود را به انجام برساند، برای همان منظوری که اجازه داد شیطان ایوب را بیازماید.

بسیاری می‌کوشند نمودهای روحی را با نسبت دادن کامل آنها به تقلب و تردستی از سوی مدیوم توجیه کنند. اما هرچند درست است که نتایج حقه‌بازی بارها به‌عنوان نمودهای واقعی جا زده شده‌اند، نمایش‌های چشمگیری از قدرت ماوراءالطبیعه نیز رخ داده است. آن تق‌تق‌های رموزی که روح‌گرایی نوین با آنها آغاز شد، حاصل نیرنگ یا حيله‌گری انسانی نبود، بلکه کار مستقیم فرشتگان شریب بود که بدین‌سان یکی از موفق‌ترین فریب‌های روح‌ویرانگر را به میان آوردند. بسیاری به‌واسطه این باور که روح‌گرایی صرفاً یک فریب انسانی است، به دام خواهند افتاد؛ و چون با نمودهایی روبه‌رو شوند که چاره‌ای جز ماورایی دانستن آنها ندارند، فریب خواهند خورد و به پذیرش آنها به‌عنوان قدرت عظیم خدا کشانده خواهند شد.

این اشخاص شهادت کتاب مقدس را درباره شگفتی‌هایی که به دست شیطان و عاملان او انجام شده است نادیده می‌گیرند. با مدد شیطانی بود که جادوگران فرعون توانستند کار خدا را تقلید کنند. پولس شهادت می‌دهد که پیش از ظهور دوم مسیح، جلوه‌های مشابهی از قدرت شیطانی رخ خواهد داد. آمدن خداوند مسبوق خواهد بود به «عمل شیطان با تمام قدرت و آیات و عجایب دروغین، و با همه فریبندگی ناراستی.» دوم تسالونیکیان ۲:۹، ۱۰. و رسول یوحنا، در وصف قدرت انجام معجزه که در روزهای آخر ظاهر خواهد شد، می‌گوید: «او عجایب عظیم به‌جا می‌آورد، به‌طوری که آتش را در نظر مردم از آسمان بر زمین فرود می‌آورد، و به‌وسیله همان معجزاتی که قدرت انجامشان را دارد، ساکنان زمین را می‌فریبد.» مکاشفه ۱۳:۱۳، ۱۴. آنچه در اینجا پیشگویی شده، صرفاً فریبکاری و تظاهر نیست. مردم به‌وسیله معجزاتی فریب می‌خورند که عاملان شیطان قدرت انجامشان را دارند، نه آن‌هایی که وانمود به انجامشان می‌کنند. مناقشه عظیم، ۵۵۳.

پیام‌های فاطیما در کتاب مالاکی مارتین به‌عنوان ساختار نبوی کاتولیسیسم در روزهای واپسین، در ارتباط با کشمکش‌های درونی در کلیسا، تصویر می‌شوند؛ کشمکش‌هایی که می‌توان آن را یا «پاپ خوب در برابر پاپ بد» دانست یا «پاپ محافظه‌کار در برابر پاپ لیبرال». پاپ محافظه‌کار - و بنا بر خوانش مارتین از آن معجزه، پاپ خوب - فهم خود را بر شورای اول واتیکان استوار می‌کند؛ شورایی که به «واتیکان اول» نیز معروف است و از ۸ دسامبر ۱۸۶۹ تا ۲۰ ژوئیه ۱۸۷۰ به دعوت پاپ پیوس نهم برگزار شد و عمدتاً بر تعریف آموزه خطاناپذیری پاپ و رسیدگی به مسائل گوناگون الهیاتی و اعتقادی پیش‌روی کلیسای کاتولیک آن زمان متمرکز بود. شورای دوم واتیکان، که معمولاً واتیکان دوم نامیده می‌شود، سال‌ها بعد و از ۱۱ اکتبر ۱۹۶۲ تا ۸ دسامبر ۱۹۶۵ برگزار شد. این شورا به دعوت پاپ ژان بیست‌وسوم تشکیل شد و پس از درگذشت ژان بیست‌وسوم توسط پاپ پل ششم ادامه یافت.

روزهای پایانی کاتولیسیسم، آن‌گونه که مارتین بیان کرده، کشاکش میان عصمت و ریاست عالیّه کلیسای رم - چنان‌که در شورای واتیکان اول مقرر شد - را در برابر لیبرالیسمی که اکنون توسط فرانسیس، پاپ ووک، به نمایش گذاشته شده و در اسناد شورای واتیکان دوم بازتاب یافته است، مشخص می‌کند. مارتین می‌گوید که در دل نبرد میان این دو رویکرد برای کنترل کلیسا، جنگ جهانی سوم در می‌گیرد و عیسی بازمی‌گردد، به زمین فرود می‌آید، بر پاپ خوب برکت می‌نهد و بر تخت کلیسای کاتولیک می‌نشیند.

در آیات سیزده تا پانزده دانیال یازده، تاریخی که بی‌درنگ پیش از قانون یکشنبه آیه شانزده قرار دارد، سومین و آخرین نبرد از جنگ‌های نیابتی را توصیف می‌کند. این همان نبردی است که پس از پیروزی پوتین در آیات یازده و دوازده روی می‌دهد، اما در میانه آن سه آیه، آیه چهارده مشخص می‌سازد که کاتولیسیزم چه زمانی وارد تاریخ ایام آخر می‌شود.

به‌گفته اشعیا، فاحشه روم در دوران سلطنت نمادین هفتادساله پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس فراموش می‌شود. نخستین بار که نهاد پاپی در سال ۵۳۸ بر روی زمین به تخت نشست، نشانه راهی که مقدم بر به‌تخت‌نشستن او بود، فرمان ژوستینیان در سال ۵۳۳ بود.

تاریخ پیرامون فرمان ژوستینیان نشان می‌دهد که او می‌کوشید با پایان دادن به نزاع مذهبی‌ای که در پادشاهی آشوب برپا کرده بود، کنترل خود را بر پادشاهی‌اش تحکیم کند. آن نزاع بر سر این بود که آیا کلیسای قسطنطنیه در شرق، یا کلیسای رم در غرب، رأس کلیسای به‌اصطلاح مسیحی است. در آیه سیزدهم، آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده با جنجالی روبه‌رو خواهد شد که او را وادار می‌کند راه ژوستینیان را در پیش گیرد و اعلام کند که کلیسای کاتولیک رأس کلیساها و اصلاح‌گر بدعت‌گذاران است تا برای تحکیم قدرت خود، پشتیبانی سیاسی لازم را فراهم آورد.

ما نباید هیچ اعتمادی به پیشگویی‌های شیطانی فاطیما بکنیم، بلکه موظفیم ببینیم در کلام خدا چه مکشوف شده است. در آغاز سده بیستم، هر دو شاخ وحش زمین وارد نسل سوم خود شدند، که نسل سازش است. شاخ جمهوری خواه نظام مالی خود را به بانکداران جهانی واگذار کرد؛ کسانی که خاستگاه خود را به خاندان «سپر سرخ»، یعنی روتشیلدها، و پیوند رازآلود آن با ایلومیناتی، فراماسونری، انجمن‌های سری و فرقه یسوعیان باز می‌گردانند. خواهر وایت به طور مستقیم درباره این گروه‌ها هشدار می‌دهد. در همین دوره، ادونتیسیم لائودیکه‌ای، به عنوان شاخ پروتستان، نهادهای آموزشی و دینی خود را به حاکمیت دنیا واگذار کرد.

در همان دوره زمانی، پادشاه مدرن جنوب تاریخ خود را با انقلاب روسیه آغاز می‌کند و پادشاه مدرن شمال تاریخ خود را با معجزه فاطیما آغاز می‌کند. چنان‌که مالاکا مارتین در کتابش تأکید می‌کند، فراتر از جدال درونی میان پاپ خوب و پاپ بد، پیام‌های فاطیما نبرد کاتولیسیسم با الحاد را به طور کلی، و مشخص‌تر از آن با الحاد روسیه، نشان می‌داد. رازی که پاپ در سال ۱۹۱۷ می‌بایست بر اساس آن عمل می‌کرد، حاوی وعده‌ای (شیطانی) بود: اگر پاپ کنکلاوی تشکیل می‌داد و روسیه را به مریم باکره تقدیم می‌کرد، آنگاه جنگ جهانی دومی رخ نمی‌داد. همچنین مشخص می‌کرد که اگر پاپ سر باز می‌زد، روسیه فلسفه خود را به طور گسترده گسترش می‌داد و سپس جنگ جهانی دیگری روی می‌داد.

جنگ جهانی دوم شامل جنگ کاتولیسیسم علیه کمونیسم روسیه بود. ارتش نیابتی کاتولیسیسم در آن جنگ، آلمان نازی بود. پایتت همواره از ارتش‌های نیابتی بهره می‌گیرد. در سال ۱۹۳۳، کلیسای کاتولیک، از طریق اقدامات کاردینال پاچلی، با آدولف هیتلر کنکورداتی امضا کرد که به هیتلر اجازه داد کنترل آلمان را به دست گیرد، و بنا بر شهادت خود هیتلر، همان قرارداد (کنکوردات) بود که به او امکان داد مسئله یهود را حل کند. نازی‌ها در جنگ جهانی دوم، نیروی نیابتی پایتت علیه روسیه بی‌خدا بودند، و در دومین نبرد از جنگ‌های نیابتی، که اکنون در اوکراین در حال تحقق است، این امر به وسیله ارتش نیابتی نازی دیگری به انجام می‌رسد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

از طریق دو خطای بزرگ، جاودانگی روح و قداست روز یکشنبه، شیطان مردم را در دام فریب‌های خود گرفتار خواهد کرد. در حالی که اولی بنیان روح‌گرایی را می‌نهد، دومی پیوند همدلی با روم ایجاد می‌کند. پروتستان‌های ایالات متحده در صف نخست خواهند بود که دست‌های خود را از فراز شکاف دراز کنند تا دست روح‌گرایی را بفشارند؛ آنان از فراز مغاک دست خواهند گشود تا دست در دست قدرت روم بگذارند؛ و تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، این کشور در لگدمال کردن حقوق وجدان از روم پیروی خواهد کرد.

هرچه روح‌گرایی بیشتر مسیحیت اسمی روزگار را تقلید کند، قدرت بیشتری برای فریب دادن و به دام انداختن می‌یابد. خود شیطان نیز، به سبک نوین روزگار، ظاهر توبه‌کرده به خود می‌گیرد. او در هیئت فرشته‌ای از نور ظاهر خواهد شد. به واسطه روح‌گرایی، معجزاتی انجام خواهد شد، بیماران شفا خواهند یافت، و شگفتی‌های انکارناپذیر بسیاری رخ خواهد داد. و چون ارواح اظهار ایمان به کتاب مقدس خواهند کرد و برای نهادهای کلیسا احترام قائل خواهند شد، کارشان به عنوان جلوه‌ای از قدرت الهی پذیرفته خواهد شد.

مرز تمایز میان مسیحیان اسمی و بی‌دینان اکنون به سختی قابل تشخیص است. اعضای کلیسا آنچه را دنیا دوست می‌دارد دوست می‌دارند و آماده‌اند به آنان بپیوندند، و شیطان مصمم است آنان را در بدنه‌ای واحد متحد کند و بدین‌سان با کشاندن همگان به صفوف روح‌گرایی کار خود را نیرومند سازد. پایتت‌ها که به معجزات به‌عنوان نشانه‌ای قطعی از کلیسای حقیقی می‌بالند،

به آسانی به وسیله این قدرت معجزه‌گر فریب خواهند خورد؛ و پروتستان‌ها نیز، چون سپر حقیقت را به دور افکنده‌اند، گمراه خواهند شد. پاپیست‌ها، پروتستان‌ها و دنیاپرستان به یکسان صورت دینداری را بدون قدرتش خواهند پذیرفت، و در این اتحاد جنبشی عظیم برای ایمان‌آوردن جهانیان و آغاز هزاره دیرانتظار خواهند دید.

از طریق احضار ارواح، شیطان به عنوان نیکوکار نوع بشر ظاهر می‌شود، بیماری‌های مردم را شفا می‌دهد و مدعی ارائه نظامی نو و والاتر در عرصه ایمان دینی است؛ اما در همان حال در نقش ویرانگر عمل می‌کند. وسوسه‌های او انبوهی از مردم را به تباهی می‌کشاند. بی‌اعتدالی عقل را از تخت به زیر می‌کشد؛ و به دنبالش کامجویی شهوانی، نزاع و خون‌ریزی می‌آید. شیطان از جنگ لذت می‌برد، زیرا بدترین امیال نفس را برمی‌انگیزد و سپس قربانیانش را که در رذیلت و خون غرقه‌اند به ابدیت می‌کشاند. هدف او این است که ملت‌ها را به جنگ با یکدیگر برانگیزد، زیرا بدین‌گونه می‌تواند ذهن‌های مردم را از کار آمدگی برای ایستادن در روز خدا منحرف سازد.

شیطان از طریق عناصر نیز عمل می‌کند تا محصول خود از جان‌های ناآماده را درو کند. او رازهای آزمایشگاه‌های طبیعت را مطالعه کرده است و تا آنجا که خدا اجازه می‌دهد، همه توان خود را برای مهار عناصر به کار می‌گیرد. وقتی اجازه یافت ایوب را رنج دهد، چه زود رمه‌ها و گله‌ها، خادمان، خانه‌ها و فرزندانش از میان رفتند؛ بلایی پس از بلای دیگر، گویی در یک لحظه. این خداست که از مخلوقات خود پاسداری می‌کند و آنان را از قدرت هلاک‌کننده در حصار نگاه می‌دارد. اما جهان مسیحی نسبت به شریعت یهوه بی‌اعتنایی نشان داده است؛ و خداوند دقیقاً همان خواهد کرد که گفته است: برکات خود را از زمین بازمی‌گیرد و نگاهبانی خویش را از کسانی که بر شریعت او می‌شورند و دیگران را نیز به انجام همان کار می‌آموزند و وادار می‌کنند، برمی‌دارد. شیطان بر همه کسانی که خدا به‌طور خاص از آنان محافظت نمی‌کند، تسلط دارد. برای پیشبرد مقاصد خود برخی را مورد لطف قرار می‌دهد و کامیاب می‌کند، و بر برخی دیگر بلا می‌آورد و مردمان را به این باور می‌کشاند که این خداست که ایشان را مبتلا می‌سازد. مناقشه بزرگ، ۵۸۸، ۵۸۹.